



از سر یال «پشت کنکوری‌های» دیروز تا کنکوری‌های امروز

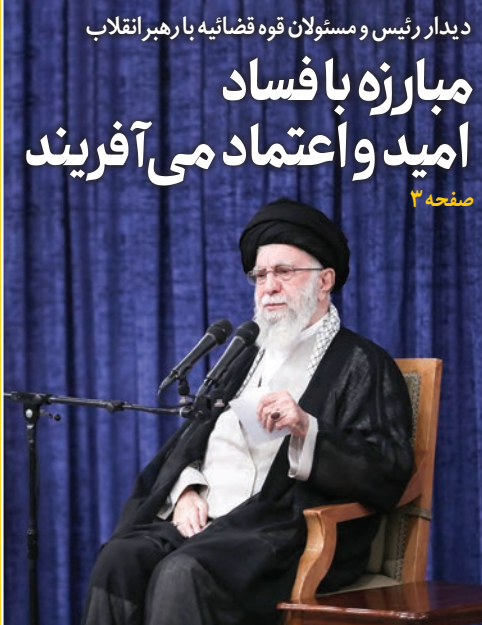
روایت حماسه‌ای که قهرمان ندارد

صفحه‌های ۵ و ۶

آشفته‌بازار سیاست‌گذاری تجاری کشور و افزایش «سیب‌زمینی گیت»

آش و آبگوشت همپای شیشلیک و سلطانی

صفحه ۲



دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب

مبارزه با فساد امید و اعتماد می‌آفریند

صفحه ۳

آسمان گردشگری ایران بی‌پرواز است

آژانس‌های مسافرتی خاموش، تورلیدرها ساکت!

خرداد امسال، تمام تورهای ورودی کشور لغو و صدها تورلیدر بیکار شدند

صفحه ۲

خیابانی زیر آتش انتقادات کاربران فضای مجازی

آقا جواد! رجوع به قضاوت مردم به نفع شما نیست!

صفحه ۷



گفت‌وگو با محمد شاکری

درباره آغا محمد خان

نمایش «آداب شکار روباه»

وارونگی قدرت در چادر تاریخ

روایت معاصر از

شکارگاه پادشاه قاجار که

ضد قهرمان و مجنون بود

صفحه ۵

گزارش ویژه

کاهش تعرفه خودروهای وارداتی

تسهیل واردات یا حرکت پوپولیستی دولت؟



افزایش بیش از دو برابری داشت و از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۶۸ هزار تومان رسید. به دنبال این تغییر شاهد افزایش قیمت شدید خودروهای وارداتی از ۶۰۰ میلیون تا حدود ۲ میلیارد تومان بودیم و قرار نیست که این قیمت‌های مصوب کاهش پیدا کند و هیچ کدام از شرکت‌های واردکننده حاضر نخواهند شد مجوزی که برای افزایش قیمت خودرو گرفته‌اند را نادیده بگیرند.

مشابه این اتفاق در زمان دولت احمدی‌نژاد نیز رخ داده بود و همزمان با افزایش شدید نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی، نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی، حقوق گمرکی آنها کاهش پیدا کرد تا مانع افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها شود. از طرفی نیز دولت بودجه حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ از محل واردات خودرو را پیش‌بینی کرده که اگر تا پایان سال به هر نحوی این پیش‌بینی محقق نشود، به طور قطع با مصوبات دیگری در حوزه خودرو کسری احتمالی را جبران خواهد کرد. همچنین برخی هزینه‌های واردات خودرو از جمله اسقاط، هلال احمر، مالیات، حقوق ورودی و... بدون تغییر بوده و همچنان پابرجاست.

مهم‌ترین نکته این است که با وجود ابلاغ کاهش تعرفه واردات، ثبت سفارش خودرو وارداتی همچنان بسته است و اصلاً وارداتی در کار نیست که قرار باشد با تعرفه کمتر انجام شود. تا زمانی که درب واردات باز نشده و ثبت سفارش انجام نشود، کاهش تعرفه نیز معنایی نخواهد داشت. با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که پس از فروکش کردن جو روانی ناشی از خبر کاهش تعرفه واردات خودرو، روند کاهش نیز متوقف شود اما در صورتی که ثبت سفارش به طور پیوسته و در حجم بالا انجام شود، در درازمدت می‌توان شاهد منطقی شدن قیمت‌های سرسام‌آور خودروهای وارداتی در بازار خودرو کشورمان باشیم.

گزارش

آسمان تهران امروز آبی‌ست اما گرد و غبار خبر نمی‌کند

هوای امروز تهران شاید پاک و دل‌انگیز به‌نظر برسد، اما تجربه سال‌های گذشته نشان داده که این آرامش، چندان پایدار نیست. پشت این آبی کم‌دوام، تهدیدی خاکستری پنهان شده: گرد و غباری که هر بار با باد از راه می‌رسد، ساکنان پایتخت را درگیر سرفه، سوزش چشم و نگرانی می‌کند. براساس اعلام شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، وضعیت هوا امروز در محدوده «قابل قبول» است و شاخص کیفیت هوا عدد ۷۶ را نشان می‌دهد. اما همین دپروز، شاخص روی عدد ۱۰۸ ایستاده بود؛ یعنی شرایطی ناسالم برای گروه‌های حساس. کافی‌ست نگاهی به هفته گذشته بیندازیم؛ در بعضی روزها، شاخص آلودگی به محدوده‌ای بین ۲۶۰ تا ۵۰۰ رسید و تهران عملاً در مهی از گرد و غبار فرو رفت.

کانون‌های گرد و خاک

در کمین پایتخت
ریشه این آلودگی سنگین، فقط در خیابان‌های پرتراфик تهران یا دود کارخانه‌ها نیست. بخشی از ماجرا، آن‌سوی کویر و بیابان در جریان است. طبق گفته‌های رئیس سازمان منابع طبیعی کشور، ایران بیش از ۳۲ میلیون هکتار اراضی بیابانی دارد که ۱۵ میلیون هکتار از آن‌ها در وضعیت «فوق بحرانی» هستند؛ مناطقی که به‌عنوان کانون‌های اصلی شکل‌گیری گرد و غبار شناخته می‌شوند. در روزهایی که توفان شن و خاک رخ می‌دهد، ذرات بسیار ریزی در هوا پراکنده می‌شوند که به‌راحتی از سیستم دفاعی بدن عبور می‌کنند. این ذرات به‌ویژه برای کودکان، سالمندان و بیماران تنفسی بسیار

محافظت از خود، از ریه‌ها شروع می‌شود

در روزهایی که گرد و غبار مهمان ناخوانده آسمان تهران است، رعایت برخی نکات ساده می‌تواند نقش موثری در حفظ سلامت فردی ایفا کند. پیش از هر چیز،

استفاده از ماسک‌های مناسب اهمیت زیادی دارد. ماسک‌های فیلتردار مانند N۹۵ یا FFP۲ می‌توانند از ورود ذرات ریز به دستگاه تنفسی جلوگیری کنند؛ چیزی که از عهده ماسک‌های معمولی یا پارچه‌ای ساخته نیست.

چشم‌ها را فراموش نکنید

در کنار محافظت از ریه‌ها، باید به چشم‌ها نیز توجه داشت. استفاده از عینک‌های محافظ، به‌ویژه انواعی که بدون منفذ هستند و اطراف چشم را کامل می‌پوشانند، از التهاب و خشکی جلوگیری می‌کند. همچنین، مرطوب نگه‌داشتن بینی و دهان با استفاده از سرم‌های شست‌وشوی بینی یا بخور ساده، راه موثری برای حفظ سلامت مجاری تنفسی است.

روزهای خاکی، وقت ورزش نیست

فعالیت بدنی در فضای باز در چنین شرایطی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود. پیاده‌روی، ورزش یا هر نوع فعالیت فیزیکی در فضای باز، به‌ویژه در ساعات اوج آلودگی،

می‌تواند ریه‌ها را در معرض حجم بیشتری از آلودگی قرار دهد و آسیب‌پذیری را افزایش دهد.

خانه را از هجوم گرد و خاک ایمن کنید

در خانه نیز می‌توان با اقداماتی ساده، محیط را از نفوذ گرد و غبار محافظت کرد. نصب نوار درزگیر در اطراف درها و پنجره‌ها، مانع ورود ذرات معلق به داخل خانه می‌شود. همچنین پوشاندن وسایل حساس مانند تلویزیون، رایانه و تجهیزات صوتی و تصویری با پارچه یا پلاستیک هنگام توفان، از آسیب ناشی از گرد و خاک به این دستگاه‌ها جلوگیری می‌کند.

کولر آبی را خاموش کنید

در شرایطی که گرد و غبار شدید است، استفاده از کولر آبی نیز توصیه نمی‌شود. این نوع کولرها به‌دلیل مکش مستقیم هوای بیرون، مقدار زیادی ذرات را وارد فضای داخلی می‌کنند و در چنین روزهایی بهتر است خاموش باشند.

خودرو هم به مراقبت نیاز دارد

در نهایت نباید از خودروها غافل شد. اگر خودرو در فضای باز پارک شده، بهتر است با یک کاور ضد گرد و غبار پوشانده شود تا از ورود ذرات به موتور یا داخل کابین جلوگیری شود. همچنین باید فیلترهای هوا، چه در موتور و چه در سیستم تهویه داخلی، به‌طور منظم بررسی و در صورت نیاز تعویض شوند؛ زیرا توفان‌های گرد و خاک آن‌ها را سریع‌تر از معمول آلوده می‌کنند.



0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی، تصویری و ویدیویی از طریق پیامک، تلگرام و واتس‌آپ

قیمت‌های اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران، قیمت‌هایی نیست که در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شویم. در بازارهای میوه و دربار شهرداری است که عموم شهروندان از آن استفاده نمی‌کنند

آشفته بازار سیاست گذاری تجاری کشور و افزایش «سیب زمینی گیت»

آش رشته و آبگوشت

هم پای شیشلیک و سلطانی

حمید سلیمانی
هفت صبح

خیلی زود است که برخی چیزها را فراموش کنیم، مثل ماجرای عجیب سیب زمینی در سال گذشته. سال پیش و در شش ماهه دوم سال، صادرات سیب زمینی از کشور شتاب گرفت و قیمت این محصول، به ناگهان از هر کیلو ۱۷ تا ۲۰ هزار تومان به بالای ۶۰ هزار تومان رسید. قفسه‌های خالی سیب زمینی در غرفه‌های میادین میوه و تره‌بار و قیمت بالای این محصول در میوه‌فروشی‌های سطح شهر، دولت را به تکاپو انداخت تا با تخصیص ارز ترجیحی، زمینه واردات گسترده سیب زمینی و تنظیم بازار را فراهم کند. به عبارت دیگر، سال گذشته عده‌ای سیب زمینی صادر کردند و دلار آزاد را به جیب زدند، در مقابل، ارز ترجیحی ناشی از صادرات نفت که قرار بود برای واردات کالاهای اساسی و دارو مصرف شود، صرف واردات سیب زمینی شد و به بهای کاهش سطح دسترسی به دلار ترجیحی برای واردات اقلام مهم، جیب عده‌ای پر و تنش و مدتی گرانی به مردم تحمیل شد. به نظر می‌رسد چرخه مشابهی در بازار حبوبات و سیاست گذاری مرتبط با واردات و صادرات این محصولات تکرار شده که نتیجه آن، گرانی خارج از تحمل بهای حبوبات در کشور شده به گونه‌ای که تهیه یک وعده آش رشته هم بهای گزافی برای مردم دربردارد.



قیمت اعلامی مرکز آمار برای هر کیلو لپه ۲۰۱ هزار تومان است. لپه در مغازه‌ها در بسته‌بندی‌های ۹۰۰ گرمی با قیمتی ۲۲۰ تا ۳۲۰ هزار تومانی به فروش می‌رسد. هر کیلو لپه در زندگی مردم بین ۴۵ تا ۱۵۵ هزار تومان با قیمت اعلامی مرکز آمار تفاوت دارد

تا ۳۲۰ هزار تومانی به فروش می‌رسند، به عبارتی بین هر کیلو ۲۴۵ تا ۳۵۵ هزار تومان که بین ۴۵ تا ۱۵۵ هزار تومان با قیمت اعلامی مرکز آمار تفاوت دارد. عدس ۱۷۵ هزار تومانی هم مرکز آمار هم در بسته‌بندی‌های عموماً ۹۰۰ گرمی بین ۱۷۰ تا ۲۴۰ هزار تومان قیمت خورده که نشان می‌دهد هر کیلو از این محصول

بین ۱۹۰ تا ۲۶۷ هزار تومان به دست مصرف کننده می‌رسد یعنی بین ۱۵ تا ۹۲ هزار تومان بالاتر از قیمت محاسباتی مرکز آمار. فکر کنم برای مقایسه قیمت‌های مورد محاسبه مرکز آمار و بازار مصرفی کشور، مقایسه همین دو قلم کفایت می‌کند و نشان می‌دهد که آنچه در سفره‌های مردم

پنجره‌هایی به سوی جهان، در خیابان‌های شهر بدرخشد. هر کدام نوید سفری تازه بدهند؛ به سواحل عمان، کوه‌های زاگرس، کویرهای شهداد یا حتی آن سوی مرزها. اما حالا، آن پنجره‌ها یکی یکی بسته شده‌اند، چراغ‌ها خاموش‌اند و پشت درهای شیشه‌ای قفل خورده، تنها غبار باقی مانده است.

ترکشی که به قلب گردشگری نشست

آژانس‌ها، قلب تپنده سفر، در سکوت فرو رفته‌اند و آنها که ماه‌ها برای فصل داغ گردشگری برنامه‌ریزی کرده بودند، حالا درگیر جدال بقا هستند. جنگ ۱۲ روزه تیر خلاص را زد؛ پروازها لغو نشد، اعتماد عمومی فروریخت و آنهایی که هنوز در حال ترمیم زخم‌های کرونا بودند، حالا زیر آوار بحران جدید دفن شدند. در خیابان ولیعصر، جایی که زمانی دفتر آژانس‌ها پر بود، حالا هر چند قدم یک دفتر خالی ست که روی شیشه یکی‌شان نوشته: «به علت شرایط اقتصادی تا اطلاع ثانوی تعطیلیم». مدیران آژانس‌ها که با غرور قراردادهای تسویر خارجی امضا می‌کردند، حالا در جلسات کوچک به دنبال راهی برای کسب مجوزهای دیگر می‌گردند. بعضی‌ها آژانس را به فروش گذاشته‌اند. بعضی دیگر، بدون اعلام رسمی، فقط خاموش شده‌اند؛ بی‌بها، بی‌وداع. این تعطیلی‌ها فقط عدد نیستند بیش از هزار دفتر در سراسر کشور تعطیل شده‌اند اما آنچه در آمار نمی‌آید، حس اندوهی ست که در دل فعالان این صنعت ریشه دوانده. حسی که نمی‌توان با هیچ نموداری سنجید. آنها می‌دانند تعطیلی فقط پایان یک کسب‌وکار نیست، پایان یک روایست، یک اشتیاق دیرینه به جهان‌بینی، به انتقال تجربه، به زنده نگه‌داشتن روایت‌هایی از تاریخ، فرهنگ و طبیعت. با وجود همه تلخی‌ها، آمیدی کوچک در دل باقی مانده؛ شاید روزی دوباره پنجره‌ها باز شوند و روی شیشه دفاتر نوشته شود: «سفر آغاز شد». شاید آن کارمند سابق، دوباره با لیخند بگوید: «تور امروز به شیراز حرکت می‌کنه». تا آن زمان، خاطره آژانس‌های تعطیل، بخشی از حافظه سفر در این سرزمین باقی خواهد ماند.

طنین خاطرات سفر در پاتوق‌های سابق

در کافه‌هایی که روزی محل قرار تورلیدرها برای آغاز سفر بود، حالا فقط زمزمه خاطرات باقی مانده؛ خاطراتی از تورهایی در دل جنگل‌های گیلان، کویرهای سمنان، کنار زاینده‌رود و بارگاه شاه چراغ. هر تور مثل یک داستان بود، مثل قطعه‌ای از یک کتاب بزرگ و رنگارنگ که حالا بسته شده و روی قفسه غبار گرفته. امید اما هنوز هست، در دل همان‌هایی که با یک نگاه عاشق تاریخ و جغرافیای این سرزمین شدند. اگر نگاه سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و جامعه دوباره ارزش سفر را دریابد، شاید باز هم تورلیدرها بتوانند با همان لیخند معروفشان و همان شال‌هایی که نماد فرهنگ ایرانی ست، به استقبال گردشگران بروند. شاید بار دیگر صدای «خوش آمدید» با طنین زندگی در فرودگاه‌ها شنیده شود و بار دیگر تابلوهای نگارنگ آژانس‌های گردشگری، همچون

«علی سلطان زاده» از قدیمی ترین تورلیدرها، مغازه‌ای کوچک باز کرده برای فروش صنایع دستی، اما نه از روی علاقه بلکه از روی ناچاری. او با صدایی آرام برای مشتری اش درباره نقش سمبلیک ظروف قلم‌زنی شده می‌گوید، همان توضیحاتی که زمانی برای گروهی از گردشگران اروپایی با زبان انگلیسی می‌داد

جوان ترهایی که تازه وارد این حرفه شده بودند، خیلی زود ناامید شدند. دوره‌های آموزشی را گذاراندند، زبان یاد گرفتند اما حالا بیکارند و سرخورده. برخی به فکر مهاجرتند و بعضی‌ها هنوز منتظرند شاید سفر دوباره جان گیرد

هشدارهایی که شنیده نمی‌شوند

حدود ۱۱ ماه پیش، نخستین هشدارها درباره احتمال افزایش قیمت حبوبات داده شد ولی طبق معمول گوش شنوایی نبود. بیست و دوم مرداد ماه سال گذشته، یک نشست خبری در انجمن حبوبات ایران برگزار شد که در آن جلسه، نسبت به تبعات عدم تخصیص ارز ترجیحی برای واردات حبوبات هشدار داده شد. طبق آمار اعلام شده در آن نشست، مصرف سرانه حبوبات در ایران ۸ تا ۱۰ کیلو گرم است که از میانگین ۱۳ کیلوپی جهان کمتر است. تولید داخلی حبوبات بین ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار تن بود که برای تامین نیاز مردم، باید واردات انجام می‌شد با این حال، سخت گیری دولت در تخصیص ارز باعث شده بود که واردات ۲۴۳ هزار تن حبوبات در سال ۱۴۰۱ به ۱۸۸ هزار تن در سال ۱۴۰۲ کاهش یابد و البته در پنجمین ماه سال ۱۴۰۳، هشدار داده شد که این موضوع در سال ۱۴۰۳ سخت تر شده و افزایش قیمت حبوبات را دامن زده است.

تورم حبوبات: بین ۲ تا ۵٫۵ برابر تورم عمومی کشور

نرخ تورم سالیانه در خرداد ماه سال جاری، ۳۴٫۵ درصد و تورم نقطه به نقطه در این ماه ۳۹٫۴ درصد گزارش شده است. حال نگاهی به افزایش قیمت حبوبات در همین بازه زمانی یعنی یک ساله منتهی به خرداد سال جاری می‌اندازیم. نخود در این مدت با رشد ۱۰۰٫۴ درصدی از هر کیلو حدوداً ۸۴ هزار تومان به ۱۶۹ هزار تومان افزایش قیمت یافته. قیمت هر کیلو لوبیا چیتی با



آسمان گردشگری ایران بی پرواز است

آژانس‌های مسافرتی خاموش تورلیدرها ساکت!

خرداد امسال، تمام تورهای ورودی کشور لغو و صدها تورلیدر بیکار شدند

سفر دیگر تجربه به روشن و جادویی گذشته نیست؛ در فرودگاه‌ها سکوت حکمفرما شده و غمی میان سالن‌ها پراکنده است. ایران که روزی مقصدی برای گردشگران داخلی و خارجی بود، به سرزمینی تبدیل شده که پروازهای محدود، بلیت‌ها گران تر از همیشه و آسمانش بعد از غروب فقط میزبان ابرها و ستاره هاست. «تورلیدرها» این عاشقان سفر، حالا با داستانی خالی، روزهایی خاموش را می‌گذرانند. آنها که روزی با هیجان قصه‌های تخت جمشید و زاگرس را روایت می‌کردند، حالا به مشاغلی پناه برده‌اند که هیچ شباهتی با عشق‌شان ندارد. بی‌قراری در نگاه‌شان موج می‌زند؛ بی‌قرار بر گشتن به لحظاتی که مردم به شوق شنیدن افسانه‌ای از زیاتشان لیخنند می‌زدند.

جنگ و بی سفری

خرداد امسال، وقتی ۱۰۰ درصد تورهای ورودی کشور لغو شدند، صدها تورلیدر که امید به رونق دوباره داشتند، ناگهان از کار بازماندند. آنهایی که با همه وجود در میدان‌های گردشگری جنگیده بودند، این بار بی‌سپر مانده بودند؛ بدون بیمه، بی‌قرارداد، بی‌هیچ تضمینی و عشقشان به سفر، زیر آوار بی‌اعتمادی و ترس دفن شد. آژانس‌های گردشگری هم حال‌وروزی بهتر از تورلیدرها نداشتند. بیش از هزار دفتر تعطیل شدند؛ تابلوهای رنگارنگ گردشگری دیگر تنها خاطره‌ای از گذشته بودند. پرسنل آژانس‌ها با امید کم و تردید بسیار به دنبال راهی برای ادامه کار بودند، اما آسمان دیگری مثل همیشه نبود؛ قوانین تغییر کرده، تقاضا ناپدید شده و افاق سفر تاریک‌تر از همیشه است. در چنین شرایطی، صداهایی به شنیده شد. پیشنهاداتی برای نجات این صنعت و بازگرداندن دوباره رنگ به چهره سفر داده شد. از صندوق‌های



آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود قسمتی از پلاک ۶۰۷ اصلی، ششداگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۱۱۵۹۲ متر مربع واقع در بخش ده تهران مورد تقاضای رضاعی نژاد طالش فرزند حاجی علی با کد ملی ۲۷۰۸۵۵۹۳۲۱ تاکنون بعمل نیامده و پلاک فرعی ۹۱ از ۶۰۷ اصلی به آن اختصاص یافته است و در عمل به تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت مقدور نبوده است لذا عملیات تحدید حدود ملک مذکور در تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ روز سه شنبه ساعت ۱۱ صبح در محل وقوع ملک شروع و بعمل خواهد آمد. بدنیوسله با اطلاع مجاورین پلاک ثبتی موصوف می‌رساند در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند چنانچه اعتراضی به حدود و حقوق ارفاقی داشته باشند ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم صورتجلس تحدید حدود اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تسلیم و رسید دریافت دارند و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده اصلاح مواد ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت مصوب ۱۳۲۳/۲۵ مجلس محترم شورای اسلامی ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به دفتر این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ (توضیح اینکه تاریخ قید شده فقط مربوط به انتشار آگهی می‌باشد)

تاریخ تحدید: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

۱۳۳۸ م الف

سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران - محمد علی ابراهیمی

شناسه آگهی ۱۹۵۹۸۳۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه برابر رای شماره ۱۵۹۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات ملکاته و بلاعارض متقاضی در قسمتی از پلاک ۵ بخش ۹ اهواز که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی (سند شماره ۱۴۲۲۰ مورخ ۷۷/۱۰/۲۲ تا دفترخانه ۹ آبادان نیی اله خسراجی) به متقاضی باین خسراجی شماره شناسنامه ۱۱۴ که ملی ۱۷۵۷۷۹۶۱۲۶ فرزند نیی اله صادره اهواز نسبت به ششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۳۱۵۰ متر مربع در قسمتی از پلاک فوق خریداری شده طبق شرح صدر آگهی و انتقال ملک از مالک رسمی بنام وی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه های محلی و کثیرالانتشار سراسری آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی باشند میبایست از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و بس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

شناسه: ۱۹۶۵۰۳۷

(تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸)

(تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳)

رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز - بهزاد مردانی

همراه با تحریربه هفت‌صبح اخبار و گزارش‌ها را آنلاین پیگیری کنید

7SOBH.COM

دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبری

مبارزه با فساد باعث ایجاد امید و اعتماد در مردم می شود



با وجود آنکه رژیم صهیونیستی را سرطان و آمریکا را به خاطر پشتیبانی از آن، جنایتکار می دانیم ولی ما به استقبال و پیشواز جنگ نرفقیم اگر چه هر گاه دشمن حمله کرد، پاسخ ما کوبنده و محکم بود

همگان اعم از روزنامه‌نگار، قاضی، مسئول دولتی، روحانی و امام جمعه موظف به صیانت و حفاظت از اتحاد ملی هستند.

ایمان وجود اختلاف سلیقه سیاسی و وزن متفاوت مذهبی از منافعی کنار هم ایستادن برای دفاع از حقیقتی مشترک به نام دفاع از ایران عزیز و نظام اسلامی دانشمند و در بیان الزامات حفظ اتحاد ملی می‌گفتند: تبیین و رفع مغالطات لازم است اما به میان کشیدن ایرادهای غیر لازم و بحث درباره آنها و جنجال روی مسائل کوچک مضّر است و حتی ابطال مغالطه باید به بهترین شکل انجام شود که مشکلی برای کشور ایجاد نشود.

مرکز مورد تهاجم ایران مرکز فوق العاده حساس آمریکا در منطقه بود و هرگاه سانسورهای خبری برطرف شود مشخص خواهد شد که ایران چه ضربه بزرگی وارد کرده است. البته ضربه‌ای از این بزرگ‌تر هم می‌توان به آمریکا و دیگران وارد کرد

مذهبی کاملاً متفاوت و جهت گیری های سیاسی گوناگون و حتی متضاد را باعث ایجاد اتحاد عظیم ملی خواندند و با تأکید بر ضرورت حفظ این وحدت بزرگ، گفتند:

برعکس طراحی دشمن اتفاق افتاد و معلوم شد بسیاری از محاسبات بر خی افراد در زمینه‌های سیاسی و امثال آن نیز صحیح نیست.

مدد الهی و حمایت مردم

مدد الہی و حمایت مردم

ایشان با اشاره به آشکار شدن چهره، نقشه و اهداف پنهان دشمن متجاوز برای آحاد مردم، گفتند: خداوند نقشه آنها را باطل و مردم را به پشتیبانی از دولت و نظام وارد میدان کرد و مردم نیز برخلاف تصور دشمن به حمایت و پشتیبانی جانی و مالی از نظام برخاستند.

رهبر انقلاب سخن گفتن و کنار هم ایستادن افرادی با وزن

مسطط به تشديد تنش ها و وقوع جنگ منجر شد. عراقچی در پکن بايد از اين تجربه درس بگيرد و با رويکردی فعال، از فرصت اجلاس برای پيشبرد ديپلماسی چندجانبه استفاده کند. جلب حمايت چين و روسيه بر محکوميت اقدامات اسرائيل و فشار بر اروپا برای غيبتنيشينی از مکانيسم ماشه، می تواند ساير مذاکرات را هموار کند. ديپلماسی هوشمند ايران بايد بر اجتناب از تعلل و استفاده از اهرم های منطقه ای متمرکز باشد.

نقش چین در دور زدن تحریم‌ها
چین به عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، نقش حیاتی

در کاهش فشار تحریم‌ها دارد. با وجود تهدید مکانیسم ماشه، بعید است پکن به دلیل منافع اقتصادی و رقابت با آمریکا، با تحریم‌های جدید همراهی کند. عراقچی می‌تواند در پکن مذاکراتی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و تضمین ادامه تجارت نفتی انجام دهد. این همکاری‌ها که در چارچوب ابتکار کمربند و جاده تقویت شده‌اند، می‌توانند اثری برای مقاومت ایران در برابر فشارهای غرب باشند.

سفر عراقچی به پکن، در حالی که ایران در معرض تهدیدات نظامی و دیپلماتیک قرار دارد، فرصتی برای بازتعریف استراتژی تهران است. اجلاس سازمان برای بستری برای غیبت اتحاد با چین و روسیه و خنثی سازی فشارها برای قوت فراهم می کند. موفقیت ایران به توانایی دیپلمات هایش در استفاده از این فرصت برای جلب حمایت سیاسی، جلوگیری از مکانیسم ماشه و پیشبرد مذاکرات هسته ای بستگی دارد. دیپلماسی فعال و هوشمند می تواند ایران را از چرخه بحران خارج کرده و به سوی ثبات منطقه ای هدایت کند.

ایران نیازمند یک دیپلماسی فعال و هوشمند برای بهره‌برداری از فرصت اجلاس شانگهای است. حمایت شرکای شرقی، محکومیت اقدامات اسرائیل و فشار بر اروپا برای عقب‌نشینی از مکانیسم ماشه می‌تواند مسیر بازگشت به مذاکرات و کاهش تنش‌های منطقه‌ای را هموار کند.

آمریکا تحت رهبری دونالد ترامپ بر ممنوعیت کامل غنی‌سازی اصرار دارد، در حالی که ایران آن را خط قرمز خود می‌داند. سفر عراقی به چین فرصتی است برای هماهنگی با پکن و مسکو جهت فشار بر واشنگتن برای پذیرش غنی‌سازی محدود تحت نظارت بین‌المللی که می‌تواند به مصالحه‌ای منجر شود.

روسیه به‌رغم روابط نزدیک با ایران، به دلیل درگیری در جنگ اوکراین و فشارهای بین‌المللی، با بی‌گرمی با نفوذ ایران، دست‌اندازد. با این حال، مواضع مسکو در حمایت از حق خودمختاری برآمده است، اما مواضعی صلح‌آمیز، اهرمی کلیدی در دیپلماتیک تهران است. دیدار عراقی‌ها با سرگنی لاروف در حاشیه اجلاس شانگهای خواهد توانست به تقویت این حمایت منجر شود. ایران می‌تواند از روسیه بخواد که در شورای امنیت و مذاکرات هسته‌ای، مواضع قاطع‌تری علیه فشارهای غرب اتخاذ کند، به‌ویژه در برابر تهدیدهای مکانیکس‌ها.

البته کارشناسان معتقدند تأخیرهای پیشین در مذاکرات

با این دارد، نشان‌دهنده اولویت منافع ملی چین است. با این حال، سفر عراقچی به یکن می تواند زمینه‌ساز تقویت همکاری‌های استراتژیک باشد.

چین که در مذاکرات هسته‌ای نقش میانجی را ایفا کرده، می تواند تمکین‌های غیرمستقیم برای امنیت ایران فراهم کند، به‌ویژه از طریق پروژه‌های مشترک مانند نیروگاه بوشهر که در جنگ از حملات مصون مانده. همچنین اخیراً چین به عنوان کشور میزبان و حامی همگرایی گفت‌وگوهای پیش‌روی تهران و واشنگتن یاد می‌شود.

ما تهدید اروپا (آلمان، فرانسه و بریتانیا) به فعال سازی مکانیسم ماشه تا پایان آبان ۲۰۲۵، فشار دیپلماتیک بر ایران را تشدید کرده است. این سازوکار که می تواند تحریمهای شورای امنیت را بازگرداند، چالشهای جدی برای تهران است. برخی ناظران بر این دارند که عراقیها در پکن سعی کرده تاز حمایت چین و روسیه برای خنثی سازی این تهدید احتمالی استفاده کنند. این دو کشور با حق وتوی خود در شورای امنیت، می توانند از تشدید تحریمها با اقدامات نظامی تحت ماده ۴۲ منشور ملل متحد جلوگیری کنند. موقعیت ایران در این زمینه به تنهایی دیپلماتیک نیست. حلقه های قدرتمند عراقیها، سنیهای یمن و روسیه در حال تقویت فشار دیپلماتیک علیه ایران هستند.

چالش‌های مذاکرات هسته‌ای و اعتماد شکسته

جنگ اعتماد ایران به مذاکرات هسته‌ای را به شدت تضعیف کرد. حملات در میانه رایزنی‌های مسقط که عراقچی آن را «خیانت به دیپلماسی» خواند، مذاکرات را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

دایلماسی در سایه جنگ

تجولات بی سابقه اخیر، معادلات دیپلماتیک منطقه را دگرگون کرد. تعلیق همکاری ایران با اژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کاهش شفافیت هسته‌ای، خطر تشدید تنش‌ها را افزایش داده است. در این میان، سفر عراقی به بکین فرصتی برای اعلام مواضع ایران برابر فشارهای غرب و تهدید مکانیسم ماشه است. عراقی تأکید کرده که بازگشت به مذاکرات هسته‌ای تنها با تضمین‌های عملی برای جلوگیری از حملات نظامی و بهر سمت شناختن حلقه غنی‌سازی ممکن است. این سفر در کنار اجلاس شانگهای، بستری برای ازیته با متحدان کلیدی مانند روسیه و چین فراهم می‌کند.

سازمان همکاری شانگهای با حضور قدرت‌هایی مانند چین و روسیه، به‌عنوان وزنه‌ای برابر نفوذ غرب عمل می‌کند اما مافوق تعهدات نظامی الزام‌آور مانند ناتو یا تحادیه اروپا نیست. این محدودیت، توانایی سازمان را برای حمایت مستقیم از ایران در برابر تجاوزات نظامی کاهش می‌دهد. با این حال، عضویت دائم ایران در سازمان فرصتی برای تقویت دیپلماسی چندجانبه فراهم کرده است. عراقچی در این سفر سعی داشت که از این زیربوم استراتژی سیاسی و دیپلماتیک چین و روسیه استفاده کند، به‌ویژه در محکومیت‌های شدید اخیر. این مسئله که می‌تواند به‌ویژه در بازدارندگی تبدیل شود.

۱۳ روزه هیچ گونه حمایت نظامی ارائه نکرد. این محافظه کاری که ریشه در رقابت تجاری پکن با آمریکا

اتحادی محتاطانه

چین به عنوان شریک تجاری کلیدی ایران، از تخفیف های نفتی تهران بهره مند است اما در جنگ ۱۲ روزه هیچ گونه حمایت نظامی ارائه نکرد. این محافظه کاری که ریشه در رقابت تجاری پکن با آمریکا

اهمیت سفر عراقچی به چین در بحبوحه تحولات یساحنگ

اژدهای زرد از سایه برون می آید




حسین فاطمی
 هفت صبح

تهران که خواستار تضمین‌های امنیتی و بهرسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی است، برابر تهدید

مکانیسمی ماشه اروپا و فشارهای غرب ایستاده است. فیضی ملتهب پسانجنگ، حضور عراقی در چین می تواند به بازتعریف استراتژی دیپلماتیک ایران، تقویت روابط با شرق و تأثیر آن بر آینده مذاکرات هسته ای منجر شود. با این حال باید پرسید که آیا ایران می تواند از این فرصت برای ایجاد توازن برابری غرب استفاده کند؟

حسین فاطمی

هفت صبح

[illegible]

به نام خدا

آگهی دعوت از اعضای انجمن تجارت الکترونیک استان تهران به شماره ثبت ۴۷۶۵۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۵۵۵۸۲ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم انجمن تجارت الکترونیک استان تهران دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده انجمن که راس ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ به صورت حضوری در نشانی: خیابان میرزای شیرازی، خیابان میرزا حسنی، پلاک ۱۸، ساختمان شماره ۱۳ اتاق بازرگانی، سالن امین الضرب به کد پستی ۱۵۸۶۷۵۳۹۱۴ برگزار می گردد حضور بهم رسانند.

دستورات جلسه:

۱. استماع گزارش عملکرد اجرایی و مالی هیأت مدیره و خزانهدار
۲. استماع گزارش بازرس
۳. تصویب گزارش عملکرد و ترازنامه انجمن در سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۴. انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵. تعیین ورودیه و حق عضویت سالیانه

۶. انتخاب بازرس اصلی و علی البدل

۷. تصمیم گیری در رابطه با سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده می باشد.

هیئت مدیره انجمن تجارت الکترونیک استان تهران



سایه کابل برسرپاریس

در سال ۲۰۲۴، اروپایی‌ها نزدیک به ۳۹ میلیارد نخ سیگار قاچاق مصرف کردند و فرانسه با ۱۸/۷ میلیارد نخ، همچنان بزرگ‌ترین بازار سیگار غیرقانونی در قاره است



اروپا در سال‌های اخیر با موجی فزاینده از ورود مهاجران غیرقانونی افغان روبه‌رو بوده است. فرار از طالبان، فقر، ناامنی و امید به آینده‌ای بهتر، هزاران جوان افغان را به مسیرهای پرخطر قاچاق انسان در مسیر ترکیه، یونان و بالکان کشانده است. با وجود سخت‌گیری‌های جدید در کشورهای شرقی اتحادیه اروپا، بسیاری از این مهاجران سرانجام خود را به فرانسه می‌رسانند؛ کشوری که به دلیل ضعف در اجرای قوانین مهاجرتی و کمبود امکانات اسکان، برای شبکه‌های قاچاق و گروه‌های سازمان‌یافته، تبدیل به بهشتی بی‌دروپیکر شده است. در حومه پاریس، در منطقه‌ای میان ایستگاه شمال و میدان شاپل، محله‌ای شکل گرفته که ساکنان آن نامی بر آن نهاده‌اند: کابل کوچک. نامی استعاری اما دقیق که به خوبی نشان می‌دهد چگونه حاشیه‌نشینی، فقر، بی‌هویتی و جرم، در قلب پایتخت فرانسه به هم گره خورده‌اند.

شبهه‌ای خونین در قلب شهر

صبح شنبه‌ای از تابستان ۲۰۲۴، در یکی از خیابان‌های شلوغ پاریس، نزاعی خونین میان گروهی از مهاجران افغان با چاقو و سلاح سرد، چهره آرام پاریس را خدشه‌دار کرد. دوربین‌های امنیتی ثبت کردند که بیش از ۴۰ نفر درگیر این خشونت خیابانی بودند. زمانی که پلیس رسید، چند مجروح با حال وخیم روی زمین افتاده بودند. تحقیقات نشان داد این فقط یک درگیری معمولی نبود؛ بلکه تسویه‌حسابی درون یک باند قاچاق سازمان‌یافته بود که بر سر قلمرو و پول به خشونت کشیده شد. بازداشت‌شدگان که همگی افغان‌های فاقد مدارک اقامتی بودند، از یک چهره مرموز به نام «حرفای» یاد می‌کردند؛ کسی که رهبر باند بود اما هیچ کس نام واقعی یا محل اقامتش را نمی‌دانست. تنها گمانه‌زنی این بود که او در بلژیک سکونت دارد و از راه دور باند را هدایت می‌کند.

یک اقتصاد زیرزمینی چندلایه

طبق گزارش‌های پلیس فرانسه، کابل کوچک به مرکز اصلی توزیع سیگارهای تقلبی و مواد مخدر سبک و سنگین بدل شده است. از ناس و گل تا کوکائین و هروئین در کوچه‌های فرعی این محله در دسترس است. شبکه قاچاق، پیچیده و چندلایه است: از فروشندگان خیابانی تا جامع‌آوردندگان پول، توزیع‌کنندگان و حتی دیده‌بان‌ها. ون‌هایی که در سراسر پاریس سیگار پخش می‌کنند، به صورت روزانه



در مسیرهایی مشخص تردد دارند و خودروهای دیگر برای جمع‌آوری پول، آن‌ها را تعقیب می‌کنند. در تابستان سال گذشته، پلیس فرانسه اعلام کرد این باند را منهدم کرده است اما تنها چند هفته پس از آن، شبکه‌ای تازه، با همان ساختار، فعالیت خود را از سر گرفت. کارشناسان معتقدند فقدان نظارت مؤثر نبود برنامه جامع برای رسیدگی به وضعیت مهاجران غیرقانونی، باعث شده این خرجه معیوب مدام بازتولید شود.

ضررهای میلیاردی به خزانه اروپا

مطالعاتی از شرکت کی‌بی‌ام‌جی در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که فرانسه همچنان بزرگ‌ترین بازار مصرف سیگارهای غیرقانونی در اروپاست. در سال گذشته، ۶.۹ میلیارد نخ سیگار قاچاق در فرانسه مصرف شد که بیش از ۵۰ درصد کل سیگارهای غیرقانونی در اتحادیه اروپا را شامل می‌شود. این رقم منجر به ۷.۳ میلیارد یورو ضرر مالیاتی شده است. در همین سال، بیش از ۱۳۰ کارگاه تولید سیگار تقلبی در ۱۸ کشور اروپایی کشف شد. این ارقام نشان می‌دهد که قاچاق سیگار، تنها یک پدیده محلی نیست، بلکه شبکه‌ای بین‌المللی از تولید، توزیع و مصرف را دربر می‌گیرد که بخشی از آن به‌وضوح در کابل کوچک پاریس ریشه دوانده است.

داستان‌هایی از کابل کوچک

در کابل کوچک، هر چهره داستانی دارد. از «عبدالرحمان»، جوان ۲۲ساله‌ای که به گفته خودش پس از فرار از طالبان، در پاریس درگیر فروش سیگار

شد چون هیچ راه قانونی برای زندگی نداشت؛ تا «بسم‌الله» که راننده یک ون توزیع سیگار است و می‌گوید فقط از رئیسش «حرفای» حقوق می‌گیرد و او فقط از صدایش در تماس تلفنی می‌شناسد. البته اعضای کابل کوچک هم مانند دیگر کسب و کارها ارتقا یافتند و روش کار خود را به‌روزرسانی کرده‌اند. طبق گزارش روتترز، قاچاقچیان افغان فعال در پاریس، اکنون از فناوری‌های پیشرفته مانند پهپاد، تسهیلات حمل‌ونقل ارزان‌قیمت و شبکه‌های اجتماعی برای فروش مستقیم استفاده می‌کنند، روشی که به کارایی و پنهان‌کاری آنها کمک کرده است.

کلام آخر

برخی فعالان حقوق بشر می‌گویند دولت فرانسه با بی‌توجهی به وضعیت پناهجویان، آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که چاره‌ای جز ورود به اقتصاد زیرزمینی ندارند اما نهادهای قضایی و انتظامی تأکید دارند که جرم، جرم است و حضور غیرقانونی نمی‌تواند پوششی برای جنایت و سازماندهی باند‌های تبهکار باشد. کابل کوچک، تنها یک نشانه است از بحرانی بزرگ‌تر که اروپا با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند: بحران مهاجرت، ضعف سیاست‌گذاری و ناتوانی در همگرایی اجتماعی. کارشناسان هشدار داده‌اند که اگر دولت فرانسه راه‌حلی ساختاری برای اسکان، ادغام یا بازگرداندن مهاجران غیرقانونی ارائه نکند، «کابل کوچک» فقط بزرگ‌تر خواهد شد. آن‌گونه که یکی از مقامات پلیس پاریس گفته: «اگر امروز کابل کوچک را کنترل نکنیم، فردا باید منتظر کابل بزرگ در قلب فرانسه باشیم».

در حالی که در انتخابات ۲۰۲۴، رابرت اف. کندی جونیور با کسب بیش از ۱۵ درصد آرا به‌عنوان موفق‌ترین نامزد مستقل از زمان راس پرو شناخته شد، اکنون نشانه‌هایی از تلاش او برای ورود به رقابت ۲۰۲۸ در چارچوب حزب جمهوری خواه دیده می‌شود؛ حرکتی که خشم دموکرات‌ها و بازماندگان خاندان کندی را برانگیخته است.

رابرت اف. کندی جونیور، فرزند دادستان کل مقتول، رابرت اف. کندی و همچنین برادرزاده رئیس‌جمهور مقتول، جان اف. کندی، با ایفای نقشی فعال در کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ و پذیرش سمت وزارت بهداشت در دولت او، از میراث خانوادگی خود که با خون، آزادی خواهی و آرمان‌گرایی پیوند خورده بود، عبور کرد. او اکنون در تلاش برای بازتعریف آینده سیاسی خود در چارچوب حزب جمهوری خواه است و شایعاتی جدی درباره نامزدی‌اش در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ به راه افتاده است.

نشانه‌های بازگشت به میدان در هفته گذشته، کمیته اقدام سیاسی (PAC) رابرت کندی جونیور موسوم به «ماها» جلسه‌ای آنلاین با حضور صداها هوادار، چهره‌های تأثیرگذار فضای مجازی و برخی از مشاوران سیاسی برگزار کرد؛ جلسه‌ای که اگرچه به طور صریح به موضوع انتخابات ۲۰۲۸ اشاره‌ای نداشت اما تحلیلگران سیاسی آن را گامی در مسیر آماده‌سازی کارزار بعدی کندی تفسیر کرده‌اند. در این نشست، شخصیت‌هایی چون رابرت مالون (دانشمند سابق حوزه واکنس و اکنون یکی از منتقدان سرسخت آن)، راسل برند (کمدین تعیین شده است.

ساتبیز تأکید می‌کند که فروش چنین قطعات نادری در حراجی سابقه ندارد و مشخص نیست که آیا در این محدوده قیمتی خریداری خواهند داشت یا خیر. با این حال، برای هر کسی که موفق به خرید شود، این فرصت بی‌تکرار خواهد بود تا نه یک یادگاری، بلکه تکه‌ای از تاریخ طبیعت و فضا را در تملک خود درآورد.

هم‌زمان با این شهاب‌سنگ و در اقدامی هیجان‌انگیز دیگری، ساتبیز اسکلت نوجوانی از گونه دایناسورهای سراتوسور را نیز به حراج می‌گذارد که در سال ۱۹۹۶ در نزدیکی شهر لارامی در ایالت وایومینگ کشف شد؛ منطقه‌ای که به معدن طلای فسیل‌ها شهرت دارد. این اسکلت که با ترکیب ۱۴۰ قطعه فسیلی و بخش‌هایی بازسازی‌شده ساخته شده، بیش از دو متر از تفاع و نزدیک به سه متر طول دارد و مربوط به دوره ژوراسیک پسین، حدود ۱۵۰ میلیون سال پیش، تخمین زده می‌شود. قیمت پایه آن بین ۶ تا ۶۰ میلیون دلار تعیین شده است.

ساتبیز تأکید می‌کند که فروش چنین قطعات نادری در حراجی سابقه ندارد و مشخص نیست که آیا در این محدوده قیمتی خریداری خواهند داشت یا خیر. با این حال، برای هر کسی که موفق به خرید شود، این فرصت بی‌تکرار خواهد بود تا نه یک یادگاری، بلکه تکه‌ای از تاریخ طبیعت و فضا را در تملک خود درآورد.

شن‌های سوزان بیرون کشید. ویژگی منحصر به‌فرد این سنگ، نه‌تنها در اندازه بی‌سابقه‌اش، به طور تقریبی ۷۰درصد بزرگ‌تر از دومین قطعه بزرگ مریخی، بلکه در ترکیب کانی‌شناسی آن است. به گفته کارشناسان ساتبیز، آزمایش‌های انجام‌شده روی نمونه‌ای کوچک از آن نشان می‌دهد که این سنگ از نوع کمپاب «شرگوتیت آلیوین-گابرویی» است؛ سنگی که در اثر سرد شدن تدریجی گدازه‌های مریخی شکل گرفته و دارای بافتی دانه‌درشت از



در اتفاقی هیجان‌انگیز و بی‌سابقه، خانه حراج ساتبیز نیویورک روز چهارشنبه میزبان فروش قطعه‌ای از سیاره مریخ خواهد بود؛ قطعه‌ای سنگی به وزن ۲۵ کیلوگرم که گمان می‌رود بزرگ‌ترین تکه شهاب‌سنگ مریخی یافت‌شده در زمین باشد. این سنگ نایاب که با کد «NWA ۱۶۷۸۸» شناخته می‌شود، قرار است در کنار اسکلت یک دایناسور «سراتوسور» نوجوان به حراج گذاشته شود و به اصطلاح چکش بخورد. قیمت پیشنهادی برای این سنگ فضایی بین ۲ تا ۱۰ میلیون دلار برآورد شده است. ساتبیز می‌گوید نه‌تنها برای صاحب واقعی «تکه‌ای از تاریخ» خواهد شد. بر اساس اعلام ساتبیز، این شهاب‌سنگ از سطح مریخ در اثر برخورد یک سیارک بزرگ جدا شده و پس از پیمودن ۲۲۵ میلیون کیلومتر، سرانجام در صحرای کشور نیجرو در دل آفریقا سقوط کرده است. کشف آن به نوامبر سال ۲۰۲۳ در منطقه دورافتاده آگادز بازمی‌گردد، جایی که یکی از شکارچیان شهاب‌سنگ آن را از دل



ستاره جوان سریال بریتانیایی «نوجوانی» در کانون توجه جوایز امی ۲۰۲۵ قرار گرفته است. این درام چهار قسمتی تفلیکس که با استقبال گسترده مواجه شده، با ۱۳ نامزدی در بخش سریال‌های کوتاه، از جمله بهترین سریال محدود و بهترین فیلمنامه، درخشیده و اوون کوپر، بازیگر ۱۵ساله‌ای که نقش جیمی، نوجوانی مظنون به قتل یکی از همکلاسی‌هایش را ایفا می‌کند، با نامزدی در بخش بهترین بازیگر مکمل مرد، تاریخ‌ساز شده است. کوپر با این نامزدی، یکی از جوان‌ترین بازیگرانی است که تاکنون از سوی آکادمی تلویزیون آمریکا نامزد شده و در صورت پیروزی در ۱۴ سپتامبر، رکورد جوان‌ترین برنده مرد امی را خواهد شکست. سریال «نوجوانی» که به مسائل مهمی چون مردانگی سمنی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر ذهن جوانان می‌پردازد، همچنین از سوی دولت‌های بریتانیا و فرانسه برای نمایش به دانش‌آموزان انتخاب شده است.

ینگه دنیا



بریتانیایی) و تونی رابینز (سخنران انگیزشی مشهور) نیز حضور داشتند.

کمیته‌ای برای سلامتی یا سیاست؟

کمیته اقدام سیاسی ماها که از دل کمیته «ارزش‌های آمریکایی ۲۰۲۴» شکل گرفته، به گفته بنیانگذار آن، تونی لیونز، اکنون هدف خود را «انقلاب در نظام سلامت آمریکا» معرفی می‌کند. اما انطور که منابع مطلع از جلسه آنلاین هفته گذشته گفت‌اند، تعهدهای مالی نیز از شرکت‌کنندگان دریافت شده و این یعنی زیرساخت‌های لازم برای یک کمیون انتخاباتی جدید به‌تدریج در حال آماده‌سازی است. از سوی دیگر، استفانی اسپیر، مشاور ارشد کندی در وزارت بهداشت، در این جلسه از دستاوردهای کندی در حذف رنگ‌های مصنوعی از محصولات غذایی و بازسازی ساختار نظارتی واکنس‌ها سخن گفت؛ اقداماتی که گرچه از سوی برخی گروه‌های سلامت‌محور تحسین شده اما در جامعه علمی و نزد مدافعان بهداشت عمومی با انتقادهای گسترده مواجه شده است.

نامزدی بالقوه، حسابی فعال

با آنکه کندی در سال ۲۰۲۴ ابتدا به‌عنوان یک دموکرات وارد میدان شد و سپس با ترک حزب، کارزار مستقلی را آغاز کرد و در نهایت به ترامپ پیوست، حساب انتخاباتی رسمی او هنوز نزد کمیسیون انتخابات فدرال (FEC) فعال است. گزارش‌های تازه حاکی از آن است که بدهی‌های انتخاباتی ۲۰۲۴ پرداخت شده و همچنان پرداخت‌هایی با عناوین «مشاوره انتخاباتی» و «خدمات اداری» انجام می‌گیرد. موجودی این حساب کمتر از ۴۰۰ هزار دلار

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



تاریخ‌سازی نولان با «ادبسه»: فروش بلیت یک سال قبل از اکران!

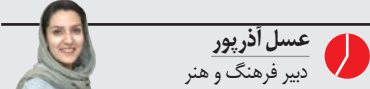
بلیت‌های آیمکس فیلم «ادبسه» ساخته کریستوفر نولان، یک سال پیش از اکران جهانی در ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۶ به فروش رفت. این رویداد بی‌سابقه در حالی رخ می‌دهد که تریلر فیلم تنها در سالن‌های سینما نمایش داده و فیلمبرداری به‌تازگی در اسکاتلند آغاز شده است. این فیلم ۲ساعت و ۴۰ دقیقه‌ای، اولین اثر تاریخ سینماست که تمام آن با فرمت آیمکس ۷۰ میلی‌متری فیلمبرداری شده. داستان «ادبسه»، روایتی از سفر ۱۰ساله ادیسیوس (مت دیمن) برای بازگشت به خانه پس از جنگ ترواست. ستارگانی چون زندیا (آتنا)، شارلین ترون (سرسی)، آن هاتوی (پنه‌لوه)، رابرت پتینسون، بنی سفدی (آگاممنون) و لوییتا نیونگو (کلوئایسترنر) در این اثر حماسی حضور دارند. بازیگران این فیلم نسبت به حضور در آن ابراز رضایت و نسبت به موفقیت ادبسه در اکران نیز ابراز امیدواری کرده‌اند. فروش زودهنگام بلیت که پیش‌تر تنها در مواردی مانند «شوالیه تاریکی برمی‌خیزد» دیده شده بود، نشان‌دهنده اعتماد استودیوی برادران وارنر به جذابیت این پروژه است. «ادبسه» با این حرکت جنجالی، بار دیگر نولان را در مرکز توجه سینمادوستان قرار داده است.



وقتی سریال «پشت کنکوری‌ها» خنده‌های بغض آلود یک نسل را روایت می‌کرد

افول فرهنگ موفقیت در حباب بی‌رویایی

● سریالی فراتر از یک کمدی جمعی؛ باز تاب تاریخ فرهنگی نسلی که در کنکور جنگید و برای دانشگاه زیست



عسل آذرویر

دبیر فرهنگ و هنر

تا همین چند دهه پیش، ورود به دانشگاه در ایران فقط یک انتخاب تحصیلی یا مسیر شغلی نبود، بخشی از روایت رسمی موفقیت در جامعه بود؛ با بار فرهنگی سنگین، تقدس اجتماعی و اضطرابی که تمام جامعه را در خود فرو می‌برد. مفهومی به نام «پشت کنکوری» نه فقط وضعیت تحصیلی، بلکه یک هویت موقت بود. دوره‌ای بین دو جهان، جهان تحقیر شده دبیرستان و جهان ستایش شده دانشگاه که معبد آرزوها بود.

کنکور: حماسه‌ای جمعی از آرزوهای یک نسل

در آن روزگار، مسیر رسیدن به دانشگاه برای بسیاری به حماسه‌ای جمعی می‌مانست، به خصوص در دهه هفتاد که ورود به دانشگاه سراسری از میان دیوارهای بلند گزینش چند مرحله‌ای و رقابت عبور می‌کرد. علی یکی از آن نسل است. او در سال ۱۳۷۲ با ابتدا ابتدا در مرحله اول کنکور شرکت می‌کرد که اردیبهشت برگزار می‌شد، بعد امتحانات نهایی دوره دبیرستان در خرداد را پشت سر می‌گذاشت، شانزده امتحان در هشت روز، امتحاناتی که صبح و عصر در دو نوبت برگزار می‌شد. اگر از سد مرحله اول کنکور و امتحانات نهایی پایان دوره دبیرستان بدون تجدید و با مهر قبول خرداد در کارنامه می‌گذشت، تازه اجازه شرکت در مرحله دوم کنکور سراسری در تیرماه را پیدا می‌کرد.

علی امروز ۵۱ ساله و مهندس نرم‌افزار است، مدرک کارشناسی‌اش را از دانشگاهی معتبر گرفته، همان دانشگاهی که زمانی برای ورود به آن چه مرارت‌ها کشید. اما امروز با بلخندی تلخ می‌گوید: «ای کاش آن همه زحمت برای دانشگاه نمی‌کشیدم، کاش همان موقع دنبال کار آزاد می‌رفتم. نه مدرک نثرومندم کرد، نه زندگی‌ام را راحت‌تر.»

این حس، فقط حس علی نیست. بخشی از یک دل‌زدگی عمومی است که نشان می‌دهد آن بار فرهنگی که در گذشته بر دوش کنکور و دانشگاه گذاشته شده بود، امروز فرو ریخته است. دانشگاه از «آرمان‌شهر» به «مسیر یکی از گزینه‌ها» تنزل یافته، جایی که بدون کنکور هم می‌توان به آن وارد شد. آن‌ها در حالی که دیگر قرار نیست تضمینی برای ارتقا اجتماعی یا اقتصادی باشد، در چنین بستری، بازخوانی سریال تلویزیونی «پشت کنکوری‌ها» که در همان دوره ساخته شد، چیزی فراتر از یک نوستالژی ساده است. این سریال امروز به سندی فرهنگی از یک دوره تبدیل شده است. دوره‌ای که در آن کنکور نه فقط یک آزمون، بلکه ساختار اجتماعی، فرهنگ خانواده‌ای و خیال جمعی یک نسل را شکل می‌داد.

«پشت کنکوری‌ها»: طنز تلخ طبقه متوسط
سریال تلویزیونی «پشت کنکوری‌ها» که به کارگردانی پرینسا بخت‌آور و با فیلمنامه‌ای از اصغر فرهادی و محمدرضا فاضلی در اوایل دهه هشتاد ساخته شد؛ امروز از دریچه تاریخ فرهنگ، چیزی فراتر از یک کمدی جمعی به نظر می‌رسد. این مجموعه با محوریت پنج جوان که به امید قبولی در کنکور در خانهای متروکی گرد هم آمده بودند، به طرزی هوشمندانه تصویری از اضطراب، بی‌ثباتی، آرمان‌گرایی و بحران هویت یک نسل را روایت می‌کرد. نسلی که رویای عبور از فقر و محدودیت را در عبور از دروازه کنکور می‌دید.

خانه، نماد زیست فرهنگی
خانه مترو که‌ای که محل تجمع این پنج جوان است، به‌خودی خود یک استعاره است. خانهای که قرار است به‌زودی تخریب و جایش برج ساخته شود. نمادی از زیست فرهنگی طبقه متوسطی که می‌کوشد از ویرانه‌های گذشته آینده‌ای نو بسازد، که

هنر

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۰۰ | پنجشنبه | ۲۶ تیر | ۱۳۰۴



و گسترش مشاغل بی‌نیاز از تحصیلات آکادمیک، باعث شده تا بسیاری از خانواده‌ها حتی نگران تحصیل فرزندان‌شان هم نباشند چه برسد به آن که بخواهند برایش هزینه سنگین عاطفی، مالی یا فرهنگی بپردازند.

بی‌روایی: خلأ فرهنگی پس از پایان کنکور
سوال ساده است اما پاسخی پیچیده دارد؛ آیا حذف «فرهنگ کنکور» به معنای پایان رقابت‌های اضطراب‌آور و آزادسازی استعدادهاست یا نشانه‌ای از فروپاشی نظم ارزشی طبقه متوسط در جامعه‌ای است که دیگر چیزی برای آرزو کردن ندارد؟ پاسخ شاید در میان این دو قرار بگیرد. در دهه هفتاد، نوجوان ایرانی می‌توانست از خود بپرسد: اگر درس بخوانم و قبول شوم، چه می‌شود؟ و پاسخش روشن بود: مهندس، دکتر، معلم یا کارمند می‌شوم، حقوق دارم، شأن دارم، آینده دارم. اما نوجوان امروز، حتی اگر در بهترین دانشگاه‌ها قبول شود، با انبوهی از دانشجویان بی‌آزمون وارد دانشگاه شده مواجه می‌شود. اساتید خسته، بازار کاری فرسوده و نظامی که به کار رویا ساختن نمی‌آید.

بی‌معنایی کنکور، جای خالی فرهنگ موفقیت
کنکور، با همه زخم‌هایی که می‌زد یک نظام

می‌سازد، نه کسی از پسر همسایه می‌پرسد: «امسال چی شد؟ قبول شدی؟» و نه حتی ترس از جواب این سوال، کسی را خانه‌نشین می‌کند. آن مفهوم فرهنگی پرشکوهِ و پرفشار که یک نسل را در جنبه خود گرفت و در سال‌های پایانی دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد، به بخش جدایی‌ناپذیر هویت نوجوانان ایرانی بدل شد، اکنون یا به خاطر‌های محو فرو کاسته، یا به پدیده‌ای حاشیه‌ای تبدیل شده است.

استایشی از نظام آموزشی تا خانواده پدرسالار
در نگاه فرهنگ، این سریال بازتاب سه نیروی عمده بود. یکم، نظام آموزشی متمرکز بر کنکور که به جای رشد خلاقیت، حافظه را پاداش می‌داد. دوم، فشار خانواده و جامعه برای رسیدن به «مدرک» به عنوان نماد موفقیت و سبب، بلا تکلیفی هویتی یک نسل که از سویی می‌خواست مستقل باشد و از سوی دیگر هنوز اسیر ساختارهای پدرسالار، نظام آموزشی غیرمنعطف و رویاهای محال بود. درواقع، سریال با ساده‌ترین ابزارهای تصویری و دیالوگ‌هایی موجز، تصویری تمام‌قد از فرهنگی ارائه می‌داد که در آن دانشگاه نه برای آموختن، بلکه برای «پذیرفته شدن» و «کسب پرستیژ» ستایش می‌شد.

از پشت کنکوری تا پذیرش دانشجوی بدون کنکور: افول یک فرهنگ
امروز دیگر نه کسی درباره «پشت کنکوری‌ها» سریال

قابل توجه‌ای در تاریخ داشته باشیم. بنابراین به دوران و شب قتل آغا محمدخان رسیدیم.

نکات حائز اهمیت در این نمایش پیش‌تر به روایت تاریخی یا درامی که به مفهوم قدرت و خشونت می‌پردازد اشاره دارد؟

تاریخ در این نمایش یک پنهان و بستر است که بتوانیم در آن یک واقعه تاریخی را روایت کنیم. روایتی که جوهره آن قدرت، استبداد و میل به جاودانگی بسیاری از پادشاهان خون‌خوار تاریخ است. جوهره‌ای که باعث می‌شود آن‌ها به جنون برسند و با امر محالی چون مرگ مبارزه کنند. در نهایت زمانی که متوجه می‌شوند نمی‌توانند با مرگ دست و پنجه نرم کنند و به پیروزی برسند، سعی می‌کنند خودشان را در جامعه‌ای که به آن ظلم کرده‌اند تکثیر کنند. بنابراین تاریخ پنهانی بسیار قدرتمند و زیبایی است برای ما که بتوانیم از این طریق استبداد و جنون قدرت را آن پادشاهان را روایت نماییم.

در نمایش «آداب شکار روباه» از چه راهکارهایی استفاده کرده‌اید تا فضای اثر به گونه‌ای باشد که فراتر از زمان و مکان‌های تاریخی عمل کند و مخاطب امروز را به چالش بکشد؟
نمایش باتوجه به اینکه اثر یک دیالوگ محور و روایت‌گر تاریخ است؛ به گونه‌ای هوشمندانه توسط نویسنده دجار تحریف شده است. تحریفاتی که به نفع فضای دراماتیک است. لذا استفاده از توانایی مولفه «بازی در بازی» و ظرفیت فضا‌سازی و فاصله‌گذاری در متن به کارگردان منتقل می‌شود. به لطف فاصله‌گذاری‌ها در بزنگاه‌های دراماتیک نمایش شخصیت‌ها از تیپ فراتر می‌روند و در نهایت این اتفاق اجازه می‌دهد که شخصیت‌ها دغدغه‌مند شوند تا تلاشی برای ایجاد کنش را رقم بزنند.



آغا محمدخان قاجار در این نمایش بیشتر یک چهره تاریخی است یا شخصیتی چندلایه و نمادین که امکان خوانش‌های متفاوت دارد؟

آغا محمدخان قطعاً شخصیتی چندلایه با امکان خوانش‌های بسیار متفاوت دارد. به طور که حتی لحظاتی مخاطب آن قدر می‌تواند با او احساس نزدیکی و قربت کند که شاید حتی به او با جنایت‌هایش حق دهد و در آن لحظه از او متنفر نباشد. نمی‌توانم او را فرد شرور بنامم، شاید بتوان او را یک ضدقهرمان نامید. ضمن اینکه شخصیت‌های این نمایش در تکنیک «بازی در بازی» و وجه متفاوتی از شخصیت آغا محمدخان را نشان می‌دهند. یک شخصیت معرف تعادل اوست و شخصیت دیگر جنونش را نشان داده و شخصیت دیگر به قدرت و اراده‌اش اشاره دارد.

باتوجه به داده‌های متن اثر چه میزان به رئالیسم وفادار مانده‌اید و چه بخش‌هایی را به سوی اجرای تئاتریکال و فاصله‌گذار سوق داده‌اید؟

این تصمیم بسیار سلیقه‌ای است. متن اثر به طور کامل وفادار به سبک و روش رئالیستی است و نویسنده نیز علاقه دارد که متن فوق به این شیوه تولید شود. از سوی دیگر من به عنوان کارگردان و مولف دوم اثر، گروه نمایشی را مجاب کرد که به باور و نگاهم اعتماد کنند و اجازه بدهند که از رئالیسم طراحی شده فاصله گرفته و از مولفه‌ای چون فاصله‌گذاری استفاده کرده و حتی فضاهای نمایشی خلق کنیم که در آن‌ها سیال ذهن وجود داشته باشد. سیال ذهنی که بتوانم در آن نگاه روانشناختی و روانشناسی که مدنظر دارم را در جهان اثر لحاظ نمایم. این تصمیم فضایی را در مولفه فاصله‌گذاری ایجاد کرد تا بتوانم پرش‌های

به مثابه همان خدمتکاران خانم و مادام عمل می‌کنند. همان اندازه در غیاب شخصیت اصلی، مشغول بازی هستند تا با قدرت اراده خود را بازیابی کنند.

در متن نمایشنامه «کلفت‌ها» تکرار نقش مهمی را ایفا می‌کند. آیا در روایت و فرم اجرایی این نمایش هم از این تکنیک استفاده کرده‌اید؟
قطعاً این موضوع در ساختار کلی و نکات دیگر نمایش وجود دارد. به‌طور مثال فرم دایره‌وار چادر که انتخاب کرده‌ایم، نمادی از یک تکرار و بی‌نهایت است و در خدمت عنوان و مفهومی که از آن صحبت می‌کنیم، سعی بر آن بود چادر از نظر تصویر، اسلوب و نمادها نیز یاری‌گر جهان اثر باشد. زاویه‌ای برای نشان دادن نکات و اتفاق‌هایی که در زیر متن در حال شکل گرفتن است، بنابراین از اشکال و رنگ‌هایی بهره برده‌ایم که بتوانند مفهوم تحلیل درستی را به مخاطب منتقل کنند. همچون چادر قرمز رنگ و چه آن دایره دوار که نمادی از طوفانی بودن، جاری بودن می‌دهد و حتی رنگ سیاه در لباس شخصیت‌ها که نمایان‌گر حال و هوای سرنوشت آدم‌های آن دوران و زمان است.

نمایش «آداب شکار روباه» برداشتی از نمایشنامه «کلفت‌ها» نوشته ژان ژنه است. اولین مرتبه که این نمایشنامه را خواندید چه عنوان و نکته‌ای در متن توجه شما را جلب کرد که در اثرتان می‌توان دید؟
متن این نمایش کاملاً وفادار به همان فرم نوشتاری است. تکنیکی که ژان ژنه در نمایشنامه «کلفت‌ها» از آن استفاده می‌کند، به نفع نمایش و تاریخ نمایشی آغا محمدخان، ایرانیزه شده است. در کنار وفاداری و فرم نوشتار ژان ژنه و نمایشنامه‌اش، از گونه‌های نمایشی اصیل ایرانی هم استفاده شده است. مولفه «بازی در بازی» در این نمایش به کار گرفته شده است. فاصله‌گذاری که به طور تعمیدی از سوی گروه کارگردانی طراحی می‌شود، شرایطی به وجود می‌آورد که ما در یک واقعه و تاریخ متوقف نشده و بتوانیم زمان را سپری کنیم و در عرصه تاریخ پیشروی کنیم. تا قادر شویم باتوجه به تاریخ معاد سازی کرده و با دغدغه‌های مخاطب امروز همسان و برابر شویم.

بازی‌های قدرت و وارونگی نقش‌ها
نمایشنامه ژان ژنه را چگونه به دنیای آغا محمدخان وارد کرده‌اید؟
ملازمین و امین خلوت‌های آغا محمدخان

بازی‌های قدرت و وارونگی نقش‌ها
نمایشنامه ژان ژنه را چگونه به دنیای آغا محمدخان وارد کرده‌اید؟
ملازمین و امین خلوت‌های آغا محمدخان

گفت‌وگو با محمد شاکری درباره آغامحمدخان نمایش «آداب شکار روباه»

وارونگی قدرت در چادر تاریخ

روایت معاصر از شکار گاه پادشاه قاجار که ضدقهرمان و مجنون بود



کیارش وفائی

هفت صبح

در دل یک چادر شکار در میانه سرزمینی ناشناخته، بازی قدرت نه با شلیک گلوله، بلکه با زمه‌مه‌هایی از خشم، رنج و آرزوی سلطه و میل به جاودانگی آغاز می‌شود. «آداب شکار روباه» نمایشی است درباره «آغا محمدخان قاجار» اما نه در معنای کلاسیک تئاتر تاریخی. این اثر، تجربه‌ای اجرایی و ذهنی است که مخاطب را در دل روایت مردی با قدرت مطلق و زخمی عمیق می‌نشانند و در همان حال، از بستر تاریخی فراتر می‌رود تا پرسش‌های جهان معاصر درباره قدرت، خشونت و وارونگی نقش‌ها را پیش بکشد. نمایشی که الهام گرفته از نمایشنامه «کلفت‌ها»ی ژان ژنه است؛ متنی سرشار از بازی‌های روانی، جابه‌جایی قدرت و رمز مبهم سلطه و اطاعت. نویسنده و کارگردان «آداب شکار روباه» با تلفیق فضای تاریخی با زبان تئاتریکال مدرن، چادر شکارگاهی را بدل به صحنه‌ای کرده‌اند که در آن واقعیت و نمایش، فرمانروا و کلفت‌ها، ارباب و قربانی‌ها، دائم در حال تعویض جا و موقعیت هستند. با کارگردان اثر که تاکنون نمایش‌هایی چون «مولار»، «بازگشت به خانه»، «قرار»، «اعتراضاتی درباره زنان»، «دندان نیش» و «چند ریشتر تپ‌دار» روی صحنه برده، درباره ایده، فرم و مواجهه با تاریخ و چالش‌های اجرایی چنین نمایش چندلایه‌ای به گفت‌وگو نشستیم.

چطور به آغا محمدخان قاجار، شخصیت ترسناک تاریخ پرداخته‌اید؟

ترجیح می‌دهم به جای ترسناک از واژه دراماتیک برای آغامحمدخان استفاده کنم. این شخصیت مانند بسیاری از شاهان تاریخ، هویتی دراماتیک دارد. جذابیت این شخصیت، میل به جاودانگی اوست. خصیصه‌ای که باعث می‌شود او با مرگ مبارزه کند. این چالش و کشش، میل به جاودانگی و مبارزه با امر محال، که در نهایت به شکست منجر می‌شود به مثابه یک قهرمان است. پرداختن به برهه‌ای از تاریخ کشور به شکل موشکافانه نیز برایم مجذوب‌کننده بود.

چرا موقعیت مکانی را شکارگاه انتخاب کرده‌اید؟ چادر شکارگاه تنها یک مکان تاریخی است یا معنای استعاره‌ای هم دارد؟

این موضوع را ابتدا باید از زاویه دید و باور نویسنده دید؛ نویسنده در توضیح صحنه و شروع نمایش اشاره می‌کند «صندوقی در میان، خیمه آغا محمدخان قاجار». این مسئله روایتی دراماتیک می‌سازد. دیگر اینکه موقعیت مکانی، فراتر از یک خیمه در شکارگاه معنا و مفهوم دارد. به همین خاطر در ترکیب رنگ‌ها، نوع چادر، زاویه و شکل دهی آن کوشیدم تا فضای حقیقت در روایت و سلطه شاه بر مردم آن دوران را به تصویر در آورم. این موقعیت مکانی به نوعی اتمسفرساز است، جوی که شخصیت آغا

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
 زیر نظر: شورای سردبیری
 مدیر هنری: وحید غفاری
 دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور
 دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
 دبیر بین الملل: زامتین لطیفی
 دبیر صفحه آخر: کیوان وارثی
 ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کیلی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با
 اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
 ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
 pr@7sobh.com
 www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
 شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
 توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
 اذان صبح: ۰۳:۱۸ | طلوع آفتاب: ۰۵:۰۰ | اذان ظهر: ۱۲:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۹ | اذان مغرب: ۱۹:۴۰

سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی



شد و همه افراد اجازه بازدید از این موزه جنگی در بنای تاریخی را کسب کردند.

بخش‌های مختلف خانه تیمور تاش وموزه جنگ

در جای جای موزه جنگ می‌توانید نشانه، تاریخ و ادوات جنگی را ببینید؛ طبقه اول سلاح‌های جنگی‌ای در معرض بازدید هستند که از زمان صفویه تا پهلوی ساخته و استفاده شده‌اند. وسایلی مانند یک توپ جنگی قدیمی که ساخت امپراتوری بریتانیا بوده، خنجرهای قدیمی مربوط به ایران صفوی، اسلحه‌های کلت شاه کش والتر آمریکایی، مسلسل یوزی، مین ضد خودرو، یا توپی که الکساندر یکم، امپراتور روسیه به عباس میرزا نایب‌السلطنه (همان فرمانده قوای ایران در جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار) پس از انعقاد عهدنامه ترکمانچای اهدا کرد. در کنار این سلاح‌ها، ابزارها و وسایل دیگری مثل ذره‌بین و نقشه‌ها را هم می‌بینید. آن‌طور که در بعضی منابع گفته شده، تمامی این سلاح‌ها در خارج از ایران و در کشورهای همچون شوروی، آلمان، ایتالیا و انگلیس ساخته، و به ایران منتقل شده‌است. علاوه بر این، در این موزه انواع تفنگ‌ها، چاقوها، شمشیرها، لباس‌ها و درجه‌های نظامی، کلاه‌خودها و از پشت‌ویترین قابل مشاهده است.

طبقه دوم خانه هم مملو از سردیس‌ها و مجسمه‌های افراد مشهور است. در همین طبقه، اتاق‌هایی هم هستند که در دوره‌های قبل، تصمیم‌های مهمی در آن‌ها گرفته شده بود و امروز با شکل و چیدمانی که در قدیم داشتند، با همان میز و مبل و پرده‌ها حفظ شده‌اند.

روایتگر جنگ و جنگاوری

در گوشه و کنار محوطه بیرونی این موزه هم، ماشین‌های جنگی و هواپردها قرار دارند و در مجاورت این خودروهای جنگی، درختانی کاشته شده که گویای صلح با کشورهای چون عمان، ایتالیا، عراق، جمهوری آذربایجان و پاکستان است. خانه تیمور تاش موزه‌ای تخصصی برای بازدید از ابزارهای جنگی ایران قدیم است که تاریخچه پیشرفت نظامی کشور را می‌توان در آن مشاهده کرد. اگر به تاریخ جنگ و جنگاوری ایران علاقه دارید، دوشنبه‌ها و جمعه‌ها این بنا آماده‌است تا رایتگر روزهای مهم و تأثیرگذار پایتخت باشد.



خانه تیمور تاش؛ میزبانی برای تاریخ جنگ

از اسلحه کلت شاه‌کش تادر ختانی که پیام صلح داشتند

الیه باقری سنجرنی

هفت صبح

الیه باقری سنجرنی-جنگ از روزگاران کهن تا امروز، همراه ناگزیر هر تمدنی بوده و بخشی از تاریخ و سرگذشت ملت‌ها شده‌است؛ بخشی از این میراث در تهران هم باقی‌مانده. یک خانه ۱۶۰ ساله و پر از تجهیزات جنگی قدیمی، در ست در قلب تهران؛ یعنی محدوده شمال غرب پادگان باغ شاه که امروز آن را به نام میدان حر می‌شناسیم. این نشانی خانه تیمور تاش است؛ خانه‌ای که در اواخر دوران قاجار ساخته شد و پس از قاجار، به تیمور تاش، دولت‌مرد جنگاور دوره پهلوی رسید. اولین خشت خانه تیمور تاش، در زمان حکومت احمدشاه قاجار گذاشته شد و از همان ابتدا، سرقفلی آن به نام وزیران جنگ ایران زده شد. این خانه پس از ساخت و تکمیل، به غلامحسین خان سالار محتشم رسید که از سران ایل بختیاری بود و دو دوره هم وزیر جنگ، غلامحسین خان ادیب بود و شجاعتش پس از پایان دوره قاجار، او را در چشم پهلوی‌ها نیز محترم کرد.

در برخی روایات تاریخی گفته شده «پس از انقراض سلسله قاجاریه و روی کار آمدن رضا شاه (عبدالحسین تیمور تاش) که وزیر دربار بود، این عمارت را از سردار محتشم بختیاری خریداری نمود و به عنوان محل سکونت انتخاب کرد.» به هر ترتیب پس از سالار محتشم، خانه به تیمور تاش رسید؛ مردی که در دولت قاجار صاحب‌نام بود اما در به‌قدرت‌رسیدن پهلوی‌ها نقش داشت. پدرش هم از خان‌ها و زمین‌داران بزرگ خراسان بود که تیمور تاش را برای تحصیل به ترکمنستان و روسیه فرستاد. تیمور تاش چند سال آخر قاجار، به رضا شاه نزدیک شده بود و در نهایت، پس از به‌قدرت‌رسیدن او، وزیر دربار شد. تیمور تاش تا سال‌ها، پس از رضاشاه دومین فرد قدرتمند کشور شناخته می‌شد؛ وزیر جنگ بود و بر تمامی وزارت‌خانه‌های دیگر نظارت می‌کرد. اما این ارج و قرب،

پنجشنبه ۱۰ آذر ۱۳۷۳

خاطره تصویری



نبض دیجیتال

برندی که از پرسیدن ترسید

ستایش شیخ‌ویسی

هفت صبح

برای سال‌ها، برنده‌عادت کرده بودند جواب بدهند. همیشه پاسخی در آستین داشتند؛ به اعتراض‌ها، به نیازها، به بازار. اما در دنیای امروز، همه چیز عوض شده. کاربران، دیگر تنها شنونده نیستند؛ آن‌ها تفسیر می‌کنند، نقد می‌کنند،

بازیگوش

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، طی دو ماه گذشته قیمت مرغ ۸۷/۲۱ درصد گران شده در عوض قیمت تخم مرغ ۲/۱۴ درصد کاهش یافته گوشت گوسفند ۱۵/۳۸ درصد افزایش بها داشته در عوض قیمت پیاز ۵/۱۲ درصد کاهش یافته و قیمت برنج ۷/۲ درصد ترقی کرده، حال آنکه قیمت گوجه فرنگی ۱۲ درصد تنزل کرده است!

بنابراین اگر گوشت مرغ و گوشت گوسفند و ایضاً برنج هم از سفره بعضی‌ها حذف شده مسئله مهمی نیست زیرا خوشبختانه قیمت تخم مرغ و گوجه فرنگی و پیاز کاهش یافته‌است که با ترکیب آنها می‌توان بهترین غذای دنیا یعنی املت را ساخت و با حداقل هزینه شکم را سیر کرد!

نه فقط داده بود، بلکه اعتماد، همدلی و بیش بود. در جهانی که همه فریاد می‌زنند «مارا ببینید»، گاهی فقط باید پرسید: «شما چه می‌خواهید ببینید؟» نمونه واقعی؟ برند (Glossier) یک برند لوازم آرایشی که مسیر رشد خود را نه از طریق تبلیغات حجیم، بلکه با گفت‌وگوی مستقیم، روزانه و واقعی با کاربران‌ش در شبکه‌های اجتماعی ساخت. سوالات واقعی پرسید، شنید و هر محصول را دقیقاً با مشارکت جامعه‌اش طراحی کرد. نتیجه؟ برندی که نه فقط دیده شد، بلکه دوست داشته شد.

می‌پرسند و اگر جواب‌های آماده داشته باشی، کافی نیست. برندها چرا این‌بار تصمیم گرفت مسیر را برعکس برود.

ا شروع به پرسیدن کرد. نه برای تحقیق بازار، نه برای نمایش تعامل بلکه برای فهمیدن واقعا چه در ذهن مخاطب می‌گذرد.

«چرا ما را دنبال می‌کنید؟»

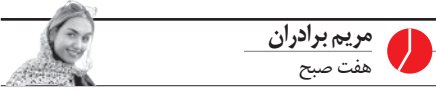
«چه چیزی از ما کم است؟»

«کجاها ساکت بوده‌ایم؟»

سؤال‌ها ساده بودند، اما پاسخ‌ها عمیق و آنچه برند دریافت،

پوسترهای ضدسیگار بیمن مولیک؛

هنر در برابر صنعت مرگ



مریم میرادران
 هفت صبح

در دنیایی که طراحی گرافیک اغلب در خدمت مصرف‌گرایی است، بیمن مولیک راهی متفاوت را برگزید؛ او از طراحی به عنوان سلاحی در برابر یکی از مرگ‌بارترین صنایع جهان استفاده کرد: صنعت دخانیات.

مولیک، طراح هندی تبار ساکن بریتانیا، صرفاً یک گرافیس‌ت نبود، بلکه کنش‌گری بصری بود که از دهه ۱۹۷۰، سال‌ها پیش از فراگیر شدن کمپین‌های ضدسیگار، شروع به خلق پوسترهایی ساده و کوبنده کرد. آثار او نه به تصاویر شوک‌آور بلکه با نمادپردازی خلاقانه و مینیمال پیام خود را منتقل می‌کردند. یکی از مشهورترین پوسترهای او طناب‌سی را به شکل سیگار نشان می‌دهد با این پیام: «سیگار کشیدن، خودکشی تدریجی است.»

در اثری دیگر، تصویر چهره کودکی را درون یک جعبه سیگار می‌بینیم؛ هشدار تلخ درباره تأثیر دود سیگار بر کودکان و اطرافیان. مولیک نشان داد که طراحی مؤثر نیازی به شلوغی یا تکنیک‌های پیچیده ندارد؛ آن چه لازم است، وضوح و شجاعت است.

او تنها برای گالری‌ها طراحی نمی‌کرد. همکاری‌اش با نهادهای بهداشتی و دولتی، باعث شد آثارش به زبان‌های مختلف ترجمه و در مدارس، بیمارستان‌ها و مکان‌های عمومی در سراسر جهان نصب شوند. آن چه میراث بیمن مولیک را ماندگار می‌کند، باور عمیق اوست که طراحی فقط برای فروش نیست، بلکه می‌تواند جان نجات دهد. در عصری که تصاویر هر روز بیشتر و بی‌معناتر می‌شوند، پوسترهای او نمونه‌ای درخشان از تأثیرگذاری سادگی در انتقال پیام‌اند.

بیمن مولیک با طراحی‌هایش نه تنها ذهن‌ها را تغییر داد، بلکه جان‌هایی را نجات داد. و به ما یادآور شد که قدرت واقعی طراحی گرافیک، در توانایی‌اش برای آگاه‌سازی، ایجاد تغییر و ساختن جامعه‌ای سالم‌تر نهفته است.

